



تاثیر استفاده از روش های آموزشی فعال نمایشی و فعال چند حسی بر میزان یادگیری نشانه ها در دانش آموزان پایه اول ابتدایی شهر اردبیل

صغری نوظهوری گرمی^۱، سودابه نظامی عنبران^۲

۱. لیسانس روانشناسی عمومی، آموزگار پایه اول ابتدایی، آموزش و پرورش، اردبیل، اردبیل، ایران، کد پرسنلی: ۱۹۰۱۰۴۷۹

۲. لیسانس علوم تربیتی، آموزگار پایه اول ابتدایی، آموزش و پرورش، اردبیل، اردبیل، ایران، کد پرسنلی: ۱۹۰۱۰۳۴۷

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تاثیر استفاده از روش های آموزشی فعال نمایشی و فعال چند حسی بر میزان یادگیری نشانه ها در دانش آموزان پایه اول ابتدایی شهر اردبیل انجام گرفته است. پژوهش حاضر، از نوع شبه آزمایشی با طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان پایه اول ابتدایی شهر اردبیل بود که از این بین، تعداد ۷۵ نفر درسه گروه ۲۵ نفری با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد. ابزار گردآوری شامل چک لیست بررسی نشانگان نارساخوانی سلیمی تیموری (۱۳۸۶) بود. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش های آماری توصیفی و استنباطی و نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ استفاده شد. نتایج نشان داد میزان نارساخوانی در دانش آموزانی که با روش آموزش فعال نمایشی و فعال چند حسی آموزش دیده اند کمتر از حد متوسط و میزان نارساخوانی دانش آموزانی که به روش سنتی آموزش دیده اند در حد متوسط می باشد. همچنین یافته ها نشان دهنده تاثیر مثبت دو روش آموزش فعال چند حسی و نمایشی بر کاهش نارساخوانی در دانش آموزان اول ابتدایی می باشد. علاوه بر این یافته ها حاکی از آن است که تاثیر آموزش فعال چند حسی بر کاهش نارساخوانی نسبت به آموزش فعال نمایشی بیشتر می باشد. کلمات کلیدی: روش های آموزشی، فعال نمایشی، فعال چند حسی، یادگیری نشانه ها، دانش آموزان پایه اول ابتدایی، شهر اردبیل

۱-مقدمه

بحث از روش های یاددهی و یادگیری و تدریس معلمان در کلاس درس یکی از مباحث اساسی و اصولی در حوزه ی تعلیم و تربیت است که توجه بسیاری از متخصصان تعلیم و تربیت، برنامه ریزی و روانشناسی تربیتی را به خود جلب کرده است (شعبانی، ۱۳۹۳). یکی از مهمترین مباحث در فعالیت های آموزشی روش های تدریس معلم است در هر نظام آموزشی دستیابی به اهداف تربیتی و آموزشی در نهایت بوسیله معلم که محور آموزش است تحقق می یابد. محتوی دروس، موضوع های علمی، الگوهای تربیتی و رفتاری همه و همه بوسیله معلم به دانش آموز منتقل می شود (خضری یزدان، ۱۳۹۴). بر همین اساس و به دنبال احساس نیاز برای یافتن روش های تدریس بهتر که در یادگیری سهم بیشتری داشته باشند متخصصان تعلیم و تربیت روش های تدریس را به دو دسته اصلی روش های سنتی و روش های فعال تدریس تقسیم می کنند. در روش های سنتی، معلم همه کاره است و دانش آموزان حالتی منفعل و پذیرنده دارند و یادگیری یک طرفه و یک سویه از جانب معلم صورت می گیرد. روش های فعال تدریس به روش هایی اطلاق می گردد که در آن ها شاگردان در جریان آموزش نقش فعالی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

برعهده دارند، با استفاده از راهنمایی های معلم به کسب تجربه می پردازند و یادگیری جریانی دو سویه دارد (کراس^۱، ۲۰۱۹). متأسفانه در رویکرد تدریس سنتی معلم کمتر فرصت توجه به نیازهای فراگیران در ابعاد مختلف و رعایت تفاوت های فردی آن ها را پیدا می کند. در جریان این فرایند بر همگونی بیش از حد، حفظ کردن طوطی وار و پس دادن دقیق آن چه معلم می گوید تاکید می شود (بلوطی، ۱۳۹۴). البته نا گفته نماند این روش ها سابقه ی طولانی دارند و از دیرباز مورد استفاده قرار می گرفتند به بیلینی دیگر منظور از روش تدریس سنتی روش هایی هستند که سابقه ی طولانی در نظام های آموزشی دارند و از دیرباز بکار گرفته می شده اند. در این روش ها از وسایل کمک آموزشی کمتر استفاده می شود. مشاهدات و اندازه گیری هایی که در طی سال ها در کلاس های درس انجام گرفته نشان می دهد که در شیوه های آموزش سنتی یک معلم به تنهایی حدود یک دوم از وقت کلاس را صحبت می کند و بطور سنتی معلم ۵۰ درصد وقت کلاس را به حرف زدن اختصاص می دهد در این روش معمولاً معلم فعال و شاگرد پذیرنده و غیر فعال است (شعبانی، ۱۳۹۳).

اما بر خلاف روش های سنتی تدریس روش های فعال تدریس به روش هایی اطلاق می گردد که در آن ها شاگردان در جریان آموزش نقش فعالی برعهده دارند، با استفاده از راهنمایی معلم به کسب تجربه می پردازند و یادگیری جریانی دو سویه دارد. امروزه روش های فعال تدریس که بتواند فعالیت های دانش آموزان را تقویت و یادگیری را به یک جریان دو سویه تبدیل کند، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این روش ها معلم بیشتر در نقش تسهیل کننده و ایجاد کننده فرصت های مناسب برای یادگیری ظاهر شده و سازگاری بیشتری می تواند ایجاد کند (خداندازی و فراست، ۲۰۱۱). از جمله مشکلات بزرگ نظام آموزشی کشور، عدم استفاده از روش های فعال است به طوری که روش های فعال تدریس هنوز جایگاه اصلی خود را پیدا نکرده است. حال از آنجا که معلم محرک اصلی هر گونه فعالیت آموزشی است لذا بایستی با روش های تدریس بیشتری آشنا باشد تا در موقعیت های آموزشی از آزادی عمل بیشتری برای رسیدن به مقاصد آموزشی برخوردار باشد. معلم برای رسیدن به اهداف در فرایند آموزش دو مسیر اصلی را در پیش رو دارد استفاده از روش های سنتی و یا استفاده از روش های تدریس فعال (وکیلیان، ۱۳۹۳).

باید دانست که امروزه به دلیل ایرادات وارد آمده بر روش های سنتی تدریس بسیاری از دست اندرکاران آموزش از شیوه های رایج تدریس راضی نیستند و به همین علت به دنبال کشف و به کار گیری شیوه های نوین در این زمینه می باشند؛ زیرا که مدت هاست کارائی روش های سنتی که شالوده ی کلی آن را روش سخنرانی تشکیل می دهد مورد ایراد و پرسش قرار گرفته است. از آنجایی که دنیای امروز دنیای پیشرفت و تکنولوژی است شاید استفاده از شیوه ی سنتی در آموزش، نوعی عقب ماندن از کودک نسل امروز باشد؛ از این روست که معلمان نسل جدید باید با اهتمام هر چه تمام تر سعی در تسلط بر شیوه های نوین و فعال آموزشی برای پیشبرد اهداف نظام آموزشی داشته باشند. البته این امر به معنی منسوخ شدن و یا کنار گذاشتن شیوه های سنتی آموزش نمی باشد زیرا که همین شیوه های فعال و نوین آموزش با اندکی تغییر بر گرفته از شیوه های سنتی، مانند قصه گویی در مکتب خانه ها و یا آیین زیبای نقاله خوانی، ویا تلفیقی از شیوه های سنتی با نوین، می باشند؛ با این حال مسئله مهم در این میان این است که استفاده از شیوه های آموزشی آبی که بتواند به طور همزمان چندین حس از حواس دانش آموز را درگیر خود کند یا بتواند کمی بیشتر حواس او را متوجه درس سازد بالطبع اهمیت بیشتری دارند. اینجاست که آموزش به شیوه ی فعال به کمک معلم می آید و معلم با استفاده از این روش ها می تواند به منسجم شدن حواس کودک در طی فعالیت کلاسی کمک شایانی کرده و او را به سمت و سوی علایقش سوق دهد همانگونه که در سطرهای پیشین بیان شد در گذشته که تدریس بیشتر به صورت سنتی و با روش سخنرانی انجام می گرفت معلم متکلم وحده کلاس بوده و دانش آموزان تنها از طریق

^۱ . Cross



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

گوش دادن و حس شنوایی می توانستند مطالب را دریافت کنند و یا به عبارت دیگر تنها کانال ارتباطی آن ها با معلم از طریق کانال شنوایی بوده است حال آنکه افراد در تحقیقات انجام شده در رویکرد *vark* براساس شیوه ی تعامل و پاسخ دادن به محیط یادگیری به چهار دسته تقسیم می شوند: ۱-دیداری: گروهی از فراگیران که از طریق دیدن و آرایه مطالب آموزشی به آن ها به صورت نمایشی (نمودار، شکل ها و تصاویر که همراه با توضیح بیشتر باشد) بهتر یاد می گیرند. ۲-شنیداری: گروهی از فراگیران که از طریق گوش دادن و آموزش شفاهی (شنیدن، سخنرانی و توضیح دادن)، یادگیری بهتری دارند. ۳-خواندن/نوشتن: گروهی دیگر از فراگیران که اگر در طی سخنرانی یا خواندن متون نوشتاری یا چاپی، یادداشت نویسی و نکته برداری کنند، یادگیری آن ها بهتر می شود. ۴- جنبشی/ حرکتی: این دسته از افراد گروهی از فراگیرانی را تشکیل می دهد که زمانی یادگیری بهتری دارند که نمونه های عملی، تجربی و دستکاری یا دست ورزی اشیاء طی یک فرایند فیزیکی را شخصا انجام دهند (بیدختی و همکاران، ۱۳۹۲).

اما مشکلی که امروزه معلمان با آن مواجه هستند این است که وقت کلاس درس مجال این موضوع را به معلم نمی دهد که برای هر گروه از این دانش آموزان جداگانه تدریس متفاوتی داشته باشد از طرف دیگر اگر برای تمام انواع این گروه ها بخواهد تدریس یکسانی به کار ببرد راندمان کاری و بازده کلاس درس به شدت کاهش پیدا خواهد کرد. به همین سبب معلمان باید به روش هایی متکی شوند که بتواند این مشکل را تا حدودی حل کند و در این میان روش های فعال چند حسی و نمایشی می تواند کمک شایانی برای تدریس معلمان باشد زیرا به طور همزمان قادرند حواس مختلف کودک را به کار گیرند و همچنین دریافت اطلاعات از چندین کانال ارتباطی شانس یادگیری در متعلم را به مراتب افزایش دهد..

همانگونه که بیان شد با پیشرفتی که امروزه جامعه از جهات مختلف داشته است، دیگر روش های قدیمی جواب گوی نیاز دانش آموزان امروز نیست. از دیگر سو دانش آموزان مقطع ابتدایی (به دلیل اجباری بودن تحصیلات ابتدایی) بخش اعظم نظام آموزشی کشور را تشکیل می دهند و از آنجا که شیوه ی آموزش و نحوه ی یادهی و یادگیری در دوران ابتدایی بالاخص سال اول ابتدایی پایه و اساس سال های بعدی تحصیل دانش آموزان و یا حتی تصمیم گیری برای ترک و یا ادامه تحصیل را تشکیل می دهد باز هم مزیدی بر علت نیاز به آموزشی که باعث جذب هرچه بیشتر دانش آموزان به درس و پیشرفت آن ها در این امر شود می باشد. از میان روش های مختلفی که برای آموزش فراگیران وجود دارد روش هایی هستند که شاید تاثیر بیشتری در این امر داشته باشند. در این تحقیق به دنبال آن هستیم که در بین شیوه های مختلف و متنوع آموزش نشانه های کتاب فارسی اول ابتدایی با روش هایی که شاید بیشترین تاثیر را در یادگیری دارند آشنا شویم و تاثیر آن ها را در تحقیقی نیمه آزمایشی مقایسه کنیم. از میان الگوهای متعدد تدریس ما به مقایسه دو شیوه فعال نمایشی و چند حسی با شیوه سنتی سخنرانی و مقایسه آن دو باهم پرداخته می شود. لذا با توجه به نقش مهم روش های تدریس فعال و نوین بر یادگیری دانش آموزان پژوهش حاضر با هدف تاثیر استفاده از روش های آموزشی فعال نمایشی و فعال چند حسی بر میزان یادگیری نشانه ها در دانش آموزان پایه اول ابتدایی شهر اردبیل انجام گرفته است.

۲- روش

پژوهش حاضر، از نوع شبه آزمایشی با طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان پایه اول ابتدایی شهر اردبیل بود که از این بین، تعداد ۷۵ نفر درسه گروه ۲۵ نفری با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد. دانش آموزان هر دو گروه آزمایش به مدت ۵ هفته و ۱۰ جلسه مفید، هر جلسه ۴۵ دقیقه، (بدون در نظر گرفتن جلسات تکرار و تمرین) در معرض آموزش فعال قرار گرفتند. گروه آزمایش (۱) به

روش فعال نمایشی و گروه آزمایش (۲) به روش فعال چند حسی آموزش اطلاعات آموزشی را دریافت کردند. دانش آموزان گروه کنترل در این مدت به روش سنتی (سخنرانی)، مطابق با آنچه در ادامه به آن پرداخته می شود، آموزش دیدند. در پایان تمامی اعضای هر سه گروه با اجرای پس آزمون مورد ارزیابی مجدد قرار گرفتند. ابزار گردآوری شامل چک لیست بررسی نشانگان نارساخوانی سلیمی تیموری (۱۳۸۶) بود. این پرسشنامه ۷ گویه دارد که با هدف شناسایی و تشخیص دانش آموزان در معرض خطر ابتلاء به ناتوانی و مشکلات خواندن توسط سلیمی تیموری (۱۳۸۶) طراحی شده است. این پرسشنامه فرم معلم بوده و باید توسط معلم تکمیل و ارزیابی شود. نمره گذاری پرسشنامه به صورت بلی و خیر است. در این پژوهش معلم با توجه به آزمون ها و بازخوردهای کلاسی و پرسش های شفاهی اقدام به تکمیل پرسشنامه می نماید جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش های آماری توصیفی و استنباطی و نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ استفاده شد.

۳- یافته ها

جدول (۱): شاخص های توصیفی مربوط به نشانگان نارساخوانی در سه گروه بر حسب مراحل مختلف ارزیابی

متغیر	مرحله ارزیابی	آموزش سنتی (n=۲۵)		آموزش فعال (n=۲۵)		آموزش فعال نمایشی (n=۲۵)	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
نشانگان نارساخوانی	پیش آزمون	۱۲/۰۰	۶/۶۱	۱۲/۷۶	۵/۱۲	۴/۷۸	۱۳/۹۲
	پس آزمون	۱۱/۰۰	۵/۰۹	۸/۶۴	۴/۴۴	۳/۵۶	۷/۲۴

نتایج حاکی از بهبود نمرات نشانگان نارساخوانی در مرحله پس آزمون نسبت به مرحله پیش آزمون در دو گروه آزمایش است.

جدول (۲): نتایج آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیره جهت مقایسه گروه های پژوهش در نمرات پس آزمون متغیر نشانگان نارساخوانی

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذور اتا	توان آماری
پیش آزمون	۸۳۶/۷۹۶	۱	۸۳۶/۷۹۶	۱۰۵/۴۳۰	۰/۰۰۰	۰/۵۹۸	۱/۰۰
عضویت گروهی	۳۰۰/۸۲۰	۲	۱۵۰/۴۱۰	۱۸/۹۵۱	۰/۰۰۰	۰/۳۴۸	۱/۰۰
خطا	۵۶۳/۵۲۴	۷۱	۷/۹۳۷				

سطح معناداری برای متغیر کنترل (پیش آزمون نشانگان نارساخوانی) کمتر از ۰/۰۵ می باشد که نشان دهنده این است که متغیر کنترل به درستی انتخاب شده است. همچنین سطح معناداری متغیر مستقل (گروه) کمتر از مقدار ۰/۰۵ می باشد که نشان دهنده آن است که بین گروه های پژوهش (آموزش سنتی، چندحسی و نمایشی) در نمره پس آزمون نشانگان نارساخوانی تفاوت معناداری وجود دارد ($P \geq 0/05$). همچنین ضریب اتا نشان می دهد که حدود ۳۵ درصد از تفاوت ها در متغیر نارساخوانی در مرحله پس آزمون ناشی از عضویت گروهی می باشد. توان آماری یک نیز حاکی از دقت آماری بالا و کفایت حجم نمونه جهت ارزیابی فرضیه پژوهش می باشد ($P \geq 0/05$). پس از تأیید شدن تفاوت بین سه گروه در نمره پس آزمون نشانگان نارساخوانی، به منظور بررسی اینکه تأثیر مداخله ها (رویکرد آموزش) بر گروه های آزمایش مثبت بوده یا منفی نمره پس آزمون نشانگان نارساخوانی هر سه گروه مقایسه شد که نتایج آن در جدول (۳) ارائه شده است.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

جدول (۳): مقایسه جفتی دو گروه کنترل و آزمایش بر اساس نمرات پس آزمون نشانگان نارساخوانی

مولفه	گروه	میانگین تعدیل شده	اختلاف میانگین (i-j)	خطای معیار	سطح معناداری
نشانگان نارساخوانی	آموزش سنتی	۸/۷۲	۲/۸۲۶	۰/۷۹۸	۰/۰۰۲
	میانگین: ۱۱/۵۵	۶/۶۱	۴/۹۳۸	۰/۸۰۵	۰/۰۰۰
	آموزش چند حسی	۶/۶۱	۲/۱۱۱	۰/۸۰۰	۰/۰۳۱
میانگین: ۸/۷۲	آموزش نمایشی				

میانگین تعدیل شده نمرات پس آزمون نشانگان نارساخوانی در دو گروه آموزش فعال چند حسی و نمایشی با گروه آموزش سنتی تفاوت معناداری دارد. یافته های فوق نشان دهنده تاثیر مثبت دو روش آموزش فعال چند حسی و نمایشی بر کاهش نارساخوانی در دانش آموزان اول ابتدایی می باشد. علاوه بر این یافته ها حاکی از آن است که تاثیر آموزش فعال نمایشی بر کاهش نارساخوانی نسبت به آموزش فعال چند حسی بیشتر می باشد.

۴- نتیجه گیری

استفاده معلمان از روش های تدریس سنتی و غیر فعال و ایجاد محیط یادگیری منفعل موجب شده دانش آموزان نتوانند مهارت های تفکر خلاق و انتقادی خود را پرورش داده و استعداد های خود را به بهترین نحو رشد داده و شکوفا کنند. با به کارگیری روش های تدریس غیرفعال کم کم ذهن دانش آموزان انباشته از مطالبی می شود که متناسب با نیازهای زندگی شان نیست، در نتیجه رفته رفته جریان یادگیری برای آنان تکراری و کسالت بار می شود و نه تنها در سازندگی آن ها نقش مؤثری ایفاء نمی کند بلکه زمینه رکود علمی و دلزدگی از فعالیت های علمی را فراهم می کند و نتیجه آن این خواهد بود که دانش آموزان تنها قادرند بطور مکانیکی مطالب عرضه شده را حفظ کنند اما نمی توانند این دانش را در حل مسائل اساسی بکار بگیرند و از آن در عمل استفاده کنند. روش های سنتی بطور کلی روش های کهنه و منسوخ نیستند و از طرفی روش های جدید نیز کاملاً مطلوب و معمول نمی باشند و اصولاً روش های قدیمی را در آموزش های امروز، از لحاظ روش اجرا نمی توان مطرود دانست (مجیدیانی، ۱۳۹۴). هدف از تدریس افزایش توانایی یادگیری است و تدریس خوب نتیجه اش خوب یادگرفتن است. دانش آموزانی خوب یاد می گیرند که راهبردهای خوب یادگرفتن و کسب آموزش و پرورش را در خود توسعه می دهند. الگوی تدریس به دانش آموزان کمک می کند که ذخایر این راهبردها در آنان توسعه یابد، این الگوها به رشد دانش آموزان به مثابه فردی با توانایی افزایش تفکر و رفتارعاقلانه و ساختن مهارت ها و تعهدات اجتماعی یاری می-رساند، متأسفانه در مدارس موجود چندان توجهی به این اصل نمی شود. نظام های آموزشی و معلمان بیش از آنکه عمل کنند حرف می زنند آنان با روش های خشک قالبی، دیکته کردن کتاب های درسی و برنامه های فشرده خود، قدرت اندیشیدن را از شاگردان گرفته اند. مدارس



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

به جای انتقال و انباشتن حقایق علمی به ذهن شاگردان، بایستی به روش های فعال که باعث افزایش قدرت تفکر انتقادی و اندیشیدن در دانش آموزان می شود تأکید کنند (بهرنگی و آقایی، ۱۳۹۳). یکی از مکان های پرورش خلاقیت، مدرسه است. هنگامی که کودک وارد مدرسه می شود، فرایند اجتماعی شدن در محیط آموزشی شروع می شود. عوامل بسیار زیادی چون: تکالیف زیاد، تأکید بر حفظ دروس، اجرای برنامه های هماهنگ، عدم توجه به تفاوت های فردی و سرانجام عدم شناخت یا بی توجهی به ویژگیهای کودکان خلاق، سبب میشود که قدرت خلاقیت آنان کاهش یابد. اما اگر مدرسه شرایط خود و روش های تدریس را بر پایه شناخت و پرورش استعداد های دانش آموزان، نیاز جامعه و نزدیک کردن محیط مدرسه به شرایط و زندگی بیرونی قرار دهد، می تواند در جهت شکوفایی خلاقیت در دانش آموزان گام بردارد. در نتیجه مشخص می شود که اگر محیط آموزشی بویژه روش های تدریس که مستقیماً مرتبط با تفکر کودک است، مناسب با رشد خلاقیت کودکان نباشد، باعث کاهش خلاقیت می شود. به طور کلی روش تدریس مناسب در مدارس نه تنها باعث می شود که خلاقیت کودکان رشد یابد، بلکه دانش آموزان را با دنیای فردا که مسئله و مشکلات بی شماری دارد، آماده حل مسئله، خلاقیت و نوآوری می کند. پس لازم است تا جامعه در آگاه کردن معلمان به انواع روش های فعال تلاش کند تا معلمان از روش های مناسب در کلاس خود استفاده کنند، کنجکاوی کودکان را بر انگیزند و شرایط مناسب تری را برای خلاقیت کودکان ایجاد کنند. به هر حال اگر روش های فعال تدریس با همه شرایط صحیح آن انجام شود، منجر به پیشرفت تحصیلی، معنادار شدن یادگیری و نفوذ مطالب کشف شده در عمیق ترین سطوح یادگیری می شود و نهایتاً باعث خلاقیت یعنی رشد توانایی های بالقوه دانش آموزان می شود (خدیدی و همکاران، ۱۳۹۷).

در پژوهش پیش رو تعیین تاثیر شیوه های آموزش سنتی و فعال بر یادگیری نشانه های پایه اول ابتدایی مورد کنکاش و واکاوی قرار گرفت. در عصر حاضر که تکنولوژی با سرعت سرسام آوری پیش می رود، جامعه بیش از هر زمان دیگر نیازمند افرادی هوشمند، خلاق و نوآور است. یکی از وظایف نظام آموزشی، پرورش افرادی است که دارای اندیشه انتقادی و خلاق هستند و توانایی حل مسأله و گشودن گره ها و معضلات را دارند، نه انباشت اطلاعات و دانش هایی که به سرعت منسوخ خواهد شد (یزدان پناه، ۱۳۹۵). یکی از مراحل مهم در طراحی آموزشی، انتخاب روش تدریس مناسب است. تدریس یکی از عناصر اصلی فرآیند آموزش و پرورش است که در کارآیی نظام آموزشی نقش مؤثری ایفا می کند تغییرالگوی آموزش از شیوه های سنتی که بر انتقال محتوا و معلم محوری تأکید دارند، به شیوه هایی که بر الگوهای مبتنی بر تفکر متمرکزاند، زمینه را برای رشد مهارت های تفکر سطح بالا، از جمله مهارت های تحلیل، استدلال قیاسی، استدلال استقرایی، استنباط، توانایی پیش بینی و حل مسأله فراهم می کند. در روش سنتی فرآیند تدریس و یادگیری خطی و یکطرفه است (عزیزی ملایری، ۱۳۹۰).

روش نمایشی بر مشاهده و دیدن استوار است. در این روش، افراد مهارت های خاصی را از طریق دیدن فرا می گیرند و معلم طرز کاربرد وسیله ای یا چگونگی ساختن یک شی را نشان می دهد. شاید این روشی باشد که بشر به کار برده است و در صورت نداشتن امکانات کافی، شاید مناسب ترین روش برای آموختن مهارت ها باشد، زیرا با استفاده از این روش، معلم می تواند مهارتی را به تعداد زیادی از دانش آموزان و در طی زمانی کوتاه ارائه دهد. مهم ترین حسن این روش به کارگیری اشیاء حقیقی و واقعی در آموزش است. البته این روش به تنهایی به کار نمی رود و معلم ضمن ارائه روش نمایشی، ناچار به استفاده از روش سخنرانی نیز هست. از این روش برای درس هایی که جنبه عملی و فنی دارند بیشتر می توان استفاده کرد. روش های چندحسی به عنوان روشی که در آن آموزش با استفاده از همه گذرگاه های یادگیری در مغز صورت می پذیرد به طور همزمان باعث تقویت حافظه و یادگیری می شود (بلوطی، ۱۳۹۴). با توجه به مشاهدات صورت گرفته توسط پژوهشگر در میان دانش آموزان دبستانی شهر اردبیل روش های تدریس نوین و فعال می توانند باعث پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در این مدارس بشوند. در واقع شناسایی راهکارهایی جهت افزایش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان؛ از اهمیت والایی در سازمان های آموزش و پرورش امروزی برخوردار است و به نظر می رسد از طریق متغیرهای روش های تدریس فعال بتوان پیشرفت تحصیلی دانش



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

آموزان را افزایش داد؛ از این رو مطالعه گسترده و همه جانبه آن ضروری می باشد؛ در این تحقیق نتایج آزمون t تک نمونه ای نشان داد که میزان نارساخوانی در دانش آموزانی که با روش آموزش فعال نمایشی و فعال چند حسی آموزش دیده اند کمتر از حد متوسط و میزان نارساخوانی دانش آموزانی که به روش سنتی آموزش دیده اند در حد متوسط می باشد. همچنین یافته ها نشان دهنده تاثیر مثبت دو روش آموزش فعال چند حسی و نمایشی بر کاهش نارساخوانی در دانش آموزان اول ابتدایی می باشد. علاوه بر این یافته ها حاکی از آن است که تاثیر آموزش فعال نمایشی بر کاهش نارساخوانی نسبت به آموزش فعال چند حسی بیشتر می باشد.

با توجه به نتایج بدست آمده پیشنهاد می شود:

با توجه به نتایج حاصله و اهمیت موضوع در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان توصیه می شود که مدیران مدارس اردبیل ارتقای شغلی معلمان را بر حسب میزان بکارگیری از روش های تدریس نوین از جمله روش های تدریس چند حسی و نمایشی موردتوجه قرار دهند.

با توجه به نتایج توصیه می شود از شیوه های آموزش سنتی که یکی از علل عدم یادگیری بیشتر مطالب و انفعال دانش آموزان و یک سویه و معلم محور بودن کلاس درس می شود کمتر استفاده شود؛ و با کاهش استفاده از شیوه های آموزش سنتی و برنامه های پیشگراانه مناسب و ایجاد محیط مناسب برای یادگیری هرچه بیشتر به پیشبرد اهداف سند تحول بنیادین در منطقه اجرای طرح(سازمان آموزش و پرورش اردبیل) کمک نمود.

با توجه به نتایج حاصله و نیاز مبرم معلمان منطقه به گذراندن دوره های آموزش نوین و کار با نرم افزارها توصیه می شود کلاس هایی آموزشی در مدارس تحت عنوان کلاس های آموزشی ضمن خدمت با تاثیر در ارزشیابی پایانی آموزگاران، با هدف آموزش شیوه فعال چند حسی و شیوه فعال نمایشی جهت همراستا شدن با تکنولوژی روز ایجاد شود .

با توجه به نتایج حاصله توصیه می شود مدیران ارشد آموزش و پرورش برای توجه به فرآیند بالنده سازی منابع انسانی از طریق آشنا سازی و اجتماعی کردن معلمان و فاصله دادن آموزگاران و معلم از شیوه های تجربی و سنتی قدیمی که حداقل کارایی در یادگیری را دارند آموزش و بهسازی و مسیر پیشرفت شغلی معلمان را در جهت آموزش روش های تدریس نوین فراهم کنند.

۵-منابع

- بلوطی، علیرضا. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش های شناختی فعال، غیرفعال و چندحسی بر یادآوری و نگهداری راهبردها در کودکان با نیازهای ویژه ذهنی. فصلنامه توسعه آموزش جندی شاپور اهواز، ۷(۱): ۱۱-۱.
- بهرنگی، محمد رضا، و آقایی، طیبه. (۱۳۹۳). تحول ناشی از تدریس مشارکتی از نوع جیگ ساوزد وضعیت سنتی تدریس. بیدختی، علی اکبر؛ نعمتی، محمدعلی و کریمی، فروزان (۱۳۹۲). نقش تعدیل کننده تعهد سازمانی در رابطه بین یادگیری سازمانی با مدیریت جانشین پروری (مطالعه موردی: دانشگاه های منتخب تهران، ۵(۱۰): ۲۰-۲.
- خدیبوی، اسداله، محمدی، فریبا ملک. (۱۳۹۷). مقایسه روش تدریس فعال و سنتی در پیشرفت درس علوم و میزان خلاقیت دانش آموزان سوم راهنمایی شهرستان کرج. نشریه علمی آموزش و ارزشیابی (فصلنامه)، ۲(۱): ۹۵-۱۲۰.
- خضری یزدان، علیرضا. (۱۳۹۴). ارتباط عوامل آشنایی با روشهای تدریس، سبک رهبری روابط انسانی و برنامه ریزی درسی با نظارت و راهنمایی مدیران دبیرستان های شهرستان یزد. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- شعبانی، حسن. (۱۳۹۳). مهارت های آموزشی و پرورشی: (روش ها و فنون تدریس). تهران: سمت



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



۲۹۸۰-۷۷۸۶ISSN

عزیزملایی، کیومرث. (۱۳۹۰). تأثیر روشهای تدریس کاوشگری هدایت شده و سنتی و سبکهای یادگیری بر میزان مهارتهای تفکر انتقادی دانشآموزان دبیرستانی، رساله دکتری، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه اصفهان.
مجیدیانی، مریم. (۱۳۹۴). مقایسه کارایی روش های تدریس در پیشرفت تحصیلی درس علوم تجربی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی منطقه زیویه استان کردستان. دانشکده علوم انسانی و تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی.
وکیلان، منوچهر. (۱۳۹۳). روش ها و فنون تدریس، تهران: انتشارات پیام نور.

Cross, C (۲۰۱۹), The relationship between modern teaching methods and creativity in high school students in Amsterdam, Creativity magazine, pp. ۶۸-۹۱.

Kabadayi, A . (۲۰۱۱). Analyzing the cognitive teaching styles of preservice and cooperating preschool teachers in turkey. early child development and care, Vol ۰۷۷, pp. ۲۷۵-۲۹۳